آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال پنجم
شماره ۱۲۹۹
چهارشنبه
۱۴۰۱•۰۳•۲۵
۱۵ ذی‌القعده ۱۴۴۳/ ۱۵ ژوئن ۲۰۲۲

یادداشـــت

معیار درست بودن چیست؟

کوروش الماسی
محقق و پژوهشگر

پربیراه نیست اگر یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های عرصه سیاسی را آشفتگی اندیشه‌ها، طرح‌ها، راهکارها، اظهارنظرها، اهداف و راهبردهای گوناگون و متناقض تلقی کنیم. اجازه دهید به‌خاطر پرهیز از سوءتفاهم، حداقل در عالم تصور، همه فعالان، سیاست‌ورزان و صاحب منصبان را صرف نظر از تمامی تفاوت‌ها و اختلافات، دلسوز ایران تلقی کنیم و تنها دشمنان و بدخواهان ایران را بیگانگانی تصور کنیم که چشم طمع به منابع و ذخایر ایران دارند. اگر مقدمه فوق منطقی و کاربردی تلقی شود، آنگاه باید گفته شود که سرچشمه عدم هماهنگی میان کارگزاران و نهادهای حاکمیتی و میان مدیریت کلان با انبوه فعالان و حاشیه نشینان سیاسی، فقدان یک معیار یا متر سیاسی است. اگر بپذیریم که در جهان خرد بنیاد معاصر برخلاف قرون پیشین، مدیریت سیاسی یک امر و پدیده عمومی، جمعی و ملی است، آنگاه، به ضرورت باید یک متر سیاسی به منظور درک، تشخیص، تحلیل، ارزیابی و سنجش انواع و انبوه راهکارها، طرح‌ها، اظهار نظرها و راهبردهای سیاسی مورد پذیرش برای همه صاحب منصبان و سیاست‌ورزان درون و بیرون ساختار مدیریت سیاسی وجود داشته باشد. مگر در انواع ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، تجاری، علمی، آموزش، دفاعی و... اعضا می‌تواند بی‌توجه به دیگر اعضا و اهداف ساختار، تلاش کنند تا راهکارها، طرح‌ها و اظهارنظرهای گوناگون و متناقض خود را اجرا یا عملیاتی کنند. بنابراین، به دلایل منطقی، کاربردی و ملی، فهم درستی یا نادرستی اندیشه، راهکارها، طرح‌ها و... سیاسی نیازمند «یک معیار سنجش یا متر» است. در امور فردی نتایج حاصله از رفتار، اندیشه‌ها، اهداف و... معیار یا متر درست یا خطا بودن است. فرد اقداماتی برای تحقق یک هدف برنامه‌ریزی و انجام می‌دهد. نتایج مشخص می‌کند رفتار درست بوده یا خیر. اما در امور جمعی و اجتماعی تا حد امکان باید از آزمون و خطا پرهیز کرد. پرهیز از آزمون و خطا مستلزم یک متر با معیار پذیرفته شده توسط جمع است. به عبارتی، وظیفه دولتمردان ایجاد رفاه، امنیت، آرامش، نشاط، امید و... برای شهروندان تحت حمایت دولت، صرف نظر از هر قیدی است. اینکه منافع ملی(جمعی) تجمیع انواع نیازها، اهداف، آرزوها، خواسته‌ها و... شهروندان است که به شکل کاربردی در مفاهیمی چون رفاه، آرامش، امنیت، نشاط، امید و... برای شهروندان بیان می‌شود. بنابراین می‌توان منافع ملی را تنها متر یا معیار درست یا نادرست بودن اندیشه‌ها، راهکارها و راهبردهای سیاسی تلقی کرد. ازاین رو، بسیار ضروری و راهگشا خواهد بود که تمامی اندیشه‌ها، طرح‌ها، راهبردها، عملکردها و به‌طور کلی فعل و انفعالات سیاسی با متر منافع ملی ارزیابی شود. به عنوان مثال، در صورت پذیرش منافع ملی به عنوان متر سیاسی به راحتی و با هزینه‌های اندک می‌توان میان انواع اندیشه‌ها، سیاست‌ها، طرح‌ها یا راهبردها در عرصه‌های روابط خارجه، آموزش و پرورش، اقتصاد، دفاعی، اجتماعی و... گوناگون و بعضا متناقض، سودمند و کم هزینه ترین‌ها را انتخاب کرد. در جوامع ابتدایی قرون پیشین، تنها معیار یا متر سیاسی، اراده، نظر یا اهداف برخی افراد یا گروهای خاص بود. اما در جوامع بسیار پیشرفته و پیچیده با انبوهی از نیازها، دیدگاه، اهداف، تمایلات، آرزوها و... گوناگون و متناقض، غیرممکن است که نظر یا اهداف یک فرد یا گروهی خاص، معیار یا متر سیاسی باشد. در جوامع خرد بنیاد، بسیار پیچیده و دارای شهروندان آگاهی که انواع نیازها، خواسته‌ها، اهداف، آرزوها و تمایلات گوناگون و متناقض را پیگیری می‌کنند، عرصه سیاسی عرصه امور سلیقه‌ای، دلبخواهی و... نیست بنابراین تنها راهکار ملی کردن انواع و انبوه اندیشه، اهداف، راهکارها و... متناقض در عرصه سیاسی، توسل و پذیرش منافع ملی به عنوان متر سیاسی است. مخالفت با ضرورت متر سیاسی، خواست دشمنان ایران با انواع چهره‌هاست.

نکتـــه

رامین مهمان پرست:

برنامه غربی‌ها بر دو نقطه قوت و یک نقطه ضعف ایران است

یک کارشناس مسائل بین‌الملل درباره قطعنامه شورای حکام و احتمال ادامه و احیای برجام اظهار داشت: در بحث برجام چون منافع ملی مطرح است و خطوط قرمز مشخصی از سوی مسئولان ارشد نظام تعیین شده است، تیم مذاکره باید در چارچوب خطوط تعیین‌شده مذاکره کنند و در پی کسب حداکثر منافع ملی باشند. ما باید بتوانیم حضوری مقتدرانه در مذاکرات داشته باشیم و بدانیم که هرچه قدر هم طرف مقابل با بهانه‌جویی مذاکرات را معطل نگاه دارد، ما ضرر نمی‌کنیم زیرا آنها هستند که مجبور می‌شوند از مواضعشان عدول کنند اما به هر حال غربی‌ها می‌کوشند با ایجاد تنش‌هایی امتیازاتی از ایران بگیرند و در مسیر مذاکره، کمترین امتیاز را هم به ایران بدهند. رامین مهمان پرست گفت: تصور غربی‌ها این است که ایران دو نقطه قوت مهم دارد؛ نخست حضور قدرتمندانه‌اش در منطقه زیرا آنها می‌دانند ایران در معادلات منطقه تعیین‌کننده است. دومین نقطه قوت ما را هم صنعت موشکی‌مان می‌دانند و بازهم می‌دانند اگر هر تصمیم آشوب‌طلبانه‌ای بگیرند، مجبور به پرداخت هزینه‌های بسیاری خواهند شد زیرا قدرت موشکی ایران بسیار بالاست. به همین دلیل می‌خواهند با امتیازگرفتن این دو نقطه قوت ما را ضعیف کنند که جمهوری اسلامی ایران هم اعلام کرده است که درباره این دو موضوع هیچ مذاکره‌ای انجام نمی‌دهد. این تحلیلگر مسائل سیاست خارجی همچنین بیان کرد: در عین حال آنها تصور می‌کنند تنها نقطه ضعف ما اقتصاد داخلی است و می‌خواهند با اِعمال فشار حداکثری بر این مسئله ورق را به نفع خودشان برگردانند. در این بین ما باید سعی کنیم که با اصلاحات ساختاری در نظام اقتصادی، وضعیت اقتصادی را بهبود ببخشیم و برای مثال هزینه‌ها در بخش‌های دولتی را کاهش دهیم و با فعال کردن بخش خصوصی، درآمدزایی کنیم. ما چاره‌ای نداریم جز آنکه بنیان‌های اقتصادی را تقویت کنیم و تحولی بزرگ از درون ایجاد کنیم. اتفاقا زمان به نفع ماست و هرچه مذاکرات به طول بینجامد ما فرصت خواهیم داشت اقتصاد داخلی‌مان را سروسامانی دهیم و آن تحلیل غربی‌ها که اقتصاد نقطه ضعف ایران است را از بین ببریم.

عزت ا... یوسفیان ملا در گفت‌وگو با «آرمان ملی» بازخوانی کرد:

موانع توافق برجام؛ تندروهای داخلی - بدعهدی امریکا

گره برجام با تصمیم بزرگ سیاسی گشوده می‌شود

با توجه به مشکلات داخلی باید،

دولت رییسی باید زودتر توافق را به نتیجه می‌رساند

هرچه زمان بگذرد؛ شرایط از این هم، دشوارتر می‌شود

«آرمان ملی»- احسان انصاری: در حالی که مذاکرات هسته‌ای بین ایران و کشورهای غربی در آستانه به نتیجه رسیدن بود یکباره ورق برگشت و با اتفاقاتی که در روزهای اخیر رخ داد و قطعنامه‌ای که شورای حکام علیه ایران صادر کرد سرنوشت برجام در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. اینکه دولت رئیسی چگونه می‌خواهد گره‌های برجام را باز کند و اقتصاد کشور را از تحریم‌ها نجات بدهد سوالی است که این روزها ذهن افکار عمومی جامعه را به خود مشغول کرده است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوع با دکتر عزت ا... یوسفیان ملا، نماینده سابق مجلس و فعال سیاسی گفت‌وگو کرده است. یوسفیان ملا معتقد است: «اتفاقاتی که در هفته‌های اخیر رخ داده چشم انداز روشنی را درباره برجام تداعی نمی‌کند و به نظر می‌رسد هرچه زمان بیشتری بگذرد احتمال توافق کاهش پیدا می‌کند. این وضعیت نیز روی قیمت دلار و بازار تأثیرگذار خواهد بود. من معتقدم برجام گره اقتصادی ندارد و بلکه این گره‌های سیاسی است که مذاکرات تاکنون به نتیجه نرسیده است. به همین دلیل اگر طرفین قصد دارند مذاکرات در نهایت به نتیجه برسد باید این گره‌های سیاسی را باز کنند.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

بهبود وضعیت اقتصادی و گره گشایی در زمینـــه تجارت خارجی از جمله مهم‌ترین شعـــارهای دولت آقای رئیسی بود. در شرایط کنونی دولت به چه میزان به شعارهایی که به مردم داده است نزدیک شده؟ آیا دولت در مسیری حرکت می‌کند که وعده‌هایی که به مردم داده محقق شود؟

دولت آقای رئیسی تلاش زیادی انجام داده که به وعده‌هایی که به مردم داده عمل کند. با این وجود نتایجی که مورد نظر بود تاکنون حاصل نشده است. آقای رئیسی از جمله روسای جمهوری است که همه تلاش خود را انجام می‌دهد و برای ایشان تعطیلی معنایی ندارد. در ماه‌های گذشته نیز مشاهده کرده‌ایم که تلاش زیادی برای رسیدگی به وضعیت مردم انجام داده و به مناطق مختلف کشور سفر کرده است. به رغم تلاش‌هایی که صـــورت می‌گیرد نتایج مطلوبی به دست نیامده است. اگر به دیدگاه‌های آقای رئیسی در زمیان انتخابات دقت کنیم متوجه می‌شویم که ایشان درباره نرخ ارز و گرانی کالاها دیدگاه‌هایی نداشتند که امروز در جامعه رخ داده و بلکه معتقد بودند به این دلیل وارد رقابت‌های انتخاباتی شده‌اند که این مشکلات را حل کنند. واقعیت این است که اتفاقاتی که در ماه‌های اخیر رخ داده دقیقا در نقطه مقابل شعارهایی است که آقای رئیسی در زمان انتخابات مطرح می‌کردند. آقای رئیسی به طنز می‌گفتند خدا را شکر که من رئیس‌جمهور نشدم که قیمت دلار به این اندازه شده است. این در حالی است که در شرایط کنونی در بازار ارز نوسان وجود دارد. آقای رئیسی و دولت کم‌کاری نکرده و بلکه همه تلاش خود را برای حل مشکلات انجام داده است. کسی که شعار ریشه کنی فقر در کشور می‌دهد باید از افراد و ابزاری استفاده کند که به صورت قطعی به این موضوع باور قلبی داشته باشند. ممکن است برخی از این افراد همراه و همگام باشند اما در عمل تصمیماتی که گرفته می‌شود باعث ریشه کنی فقر در کشور نمی‌شود. راهی که در پیش گرفته شده نیز به این هدف نمی‌رسد. با افزایش میزان یارانه‌ها امکان ریشه‌کنی فقر وجود ندارد.

> **در سیاست خارجی و مذاکرات بین‌المللی دستورالعمل‌ها و موارد زیادی امضا می‌شود اما آن چیزی که حائز اهمیت است پرانتزهایی است که در مفاد قراردادهای بین‌المللی مانند برجام وجود دارد. به عنوان مثال آمریکا عنوان می‌کند که ایران نباید از برخی سلاح‌ها استفاده کند و در این زمینه ده‌ها صفحه قرارداد نوشته می‌شود. با این وجود در این صفحات یک یا دو پرانتز وجود دارد که تعیین کننده است و ماهیت اصلی قرارداد را مشخص می‌کند. به همین دلیل در قراردادهای بین‌المللی این پرانتزها نقش محوری دارند. در واقع این پرانتزهاست که به تصمیم مشترک قلمداد می‌شود**

تاکنون توافق برجام حاصل نشده و بلکه در مسیر واگرایی قرار گرفته است. توافقی که اگر صورت می‌گرفت و تحریم‌های ایران برداشته می‌شد دولت می‌توانست با فراغ بال بیشتری مشکلات اقتصادی را حل کند. آیا سیاست خارجی دولت سیزدهم با تأخیر در تصمیم گیری مواجه نیست؟

رئیس‌جمهور بارها عنوان کرده‌اند که مسائل اقتصاد داخلی را به برجام گره نخواهند زد. این سخن صحیحی است. مقام معظم رهبری نیز در این زمینه رهنمودهایی داشتند. ایشان فرمودند اگر دولت برنامه تصمیمی برای مسائل داخلی دارد آن را انجام بدهد و معطل برجام و توافق هسته‌ای نشود. دولت باید با برنامه‌ریزی کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت کار خود را جلو ببرد و به مسائل سیاست خارجی به عنوان یک رویکرد کمکی نگاه کند. اگر ما به مذاکرات هسته‌ای دقت کنیم متوجه می‌شویم که در مذاکرات آخری که صورت گرفت طرفین به نقاط مشترک زیادی رسیده بودند و هر لحظه این احتمال وجود داشت که توافق امضا شود. در سیاست خارجی و مذاکرات بین‌المللی دستورالعمل‌ها و موارد زیادی امضا می‌شود، اما آن چیزی که حائز اهمیت است پرانتزهایی است که در مفاد قراردادهای بین‌المللی مانند برجام وجود دارد. به عنوان مثال آمریکا عنوان می‌کند که ایران نباید از برخی سلاح‌ها استفاده کند و در این زمینه ده‌ها صفحه قرارداد نوشته می‌شود. با این وجود در این صفحات یک یا دو پرانتز وجود دارد که تعیین کننده است و ماهیت اصلی قرارداد را مشخص می‌کند. به همین دلیل در قراردادهای بین‌المللی این پرانتزها نقش محوری دارند. در واقع این پرانتزهاست که به تصمیم مشترک قلمداد می‌شود. در مذاکراتی که دولت آقای روحانی انجام داد بحث اصلی درباره هشت پرانتزی بود که بین طرفین محل مناقشه بود و مذاکرات حول این پرانتزها صورت می‌گرفت. در دولت سیزدهم و وزارت آقای امیر عبداللهیان تعداد این پرانتزها به ۱۲عدد رسید و این پرانتزها نیز نوشته شد. همه نیز منتظر بودند این پرانتزها نوشته شود و توافق امضا شود.

چرا در حالی که این پرانتزها نوشته نیز شده بود اما در نهایت توافقی امضا نشد؟ چه عواملی در امضا نشدن این توافق نقش داشت؟

اگر ما به‌خاطر داشته باشیم در مذاکراتی که دولت آقای روحانی با آمریکا و کشورهای غربی داشت معاونان سیاسی وزیر خارجه دو کشور با هم مذاکره می‌کردند، اما اصل مذاکره بین دو وزیر خارجه یعنی محمدجواد ظریف و جان کری اتفاق افتاد. نکته مهمی که در این زمینه نقش تعیین کننده‌ای ایفا کرد رفاقت و دوستی بود که ظریف و کری در سال‌هایی که ظریف نماینده ایران در سازمان ملل بود با کری پیدا کرده بود. این رفاقت تأثیر خود را در مذاکرات پیرامون پرونده هسته‌ای گذاشت و در نهایت به امضا برجام منجر شد. در همین قدم زدن‌ها و گفت‌وگوهای دوستانه بود که سرنوشت بسیاری از موضوعات محل مناقشه طرفین حل شد. این در حالی است که تیم مذاکره کننده دولت آقای رئیسی هیچ ارتباطی به جز موضوعات محل مذاکـــره نداشتند و تنهـــا چانه‌زنی‌هـــای معمول در مذاکرات بین دو طرف در جریان بود. برجام می‌توانست در یک دو ماه قبل به نتیجه برسد و تحریم‌ها برداشته شود که در نهایت بنا به دلایلی این اتفاق رخ نداد. البته در شرایط کنونی نباید به دنبال مقصر باشیم. احتمالات زیادی در این زمینه وجود دارد از جمله اینکه سلیقه سیاسی دولت سیزدهم به شکلی نبود که توافق به این شکل امضا شود. هر چند از فضاسازی‌های منفی که برخی کشورها در حاشیه مذاکرات انجام می‌دادند نیز نباید غافل شد. همه کسانی که از جزئیات مذاکرات اطلاع دارند به این نکته واقف هستند که مذاکرات در حال نتیجه دادن بود و تنها کافی بود که این هشت پرانتز مورد توافق قرار بگیرد.

> **در مذاکراتی که دولت آقای روحانی با آمریکا و کشورهای غربی داشت معاونان سیاسی وزیر خارجه دو کشور با هم مذاکره می‌کردند اما اصل مذاکره بین دو وزیر خارجه یعنی محمدجواد ظریف و جان کری اتفاق افتاد. نکته مهمی که در این زمینه نقش تعیین کننده‌ای ایفا کرد دوستی بود که ظریف و کری در سال‌هایی که ظریف نماینده ایران در سازمان ملل بود با کری پیدا کرده بود. این رفاقت تأثیر خود را در مذاکرات پیرامون پرونده هسته‌ای گذاشت و در نهایت به امضا برجام منجر شد**

چرا این اتفاق رخ نداد؟

واقعیت این است که در این مقطع زمانی اتفاقاتی رخ داد که یکباره ورق برگشت و شرایط تغییر کرد. اتفاقاتی در این مقطع زمانی رخ داد که تعیین کننده بود و شرایط را به سمتی برد که امروز برجام با گره‌های زیادی مواجه شده است. این نکته را نیز باید در نظر گرفت که طرف مقابل ایران در مذاکرات نیز اهل دبه کردن است و قابل اعتماد نیست. طرف مقابل از هر فرصتی استفاده می‌کند که زیر میز مذاکره بزند. بایدن تلاش زیادی انجام داد که آثاری از تصمیمات ترامپ در مذاکرات نباشد و همه تصمیمات توسط تیم وی و به صورت جدید گرفته شود. این در حالی است که در داخل کشور نیز افرادی بودند که عنوان می‌کردند ظریف و تیم مذاکره کننده وی امتیازهای زیادی به طرف آمریکایی داده است. این افراد عنوان می‌کردند تیم مذاکره کننده رئیسی بدون اینکه به طرف مقابل امتیاز بدهد در نهایت توافق خواهد کرد و یک پیروزی بزرگ سیاسی در داخل کشور به دست خواهد آورد. این دو رویکرد در دو کشور ایران و آمریکا وجود داشت و ملموس بود. با این وجود در دولت رئیسی روزی نیست که شخص حقیقی یا حقوقی از ایران مورد تحریم قرار نگیرد. این رویکرد نشان می‌دهد که طرف مقابل مدام در حال کار کردن و تشدید فشار علیه ایران هستند. در قانون اساسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان نیروی نظامی اصلی کشور ماست. به همین دلیل هنگامی که دولت رئیس خروج سپاه از لیست گروه‌های تروریستی را در مذاکرات مطرح کرد این موضوع برای ایران حائز اهمیت است. در چنین شرایطی طرف مقابل نیز سپاه را به دو بخش درون مرزی و برون مرزی تقسیم کردند و عنوان کردند ما در قسمت درون مرزی سپاه موافق هستیم، اما در زمینه بخش برون مرزی سپاه موافقت نمی‌کنیم این بخش همچنان باید در لیست گروه‌های تروریستی قرار داشته باشد. طرح چنین موضوعاتی در حاشیه مذاکرات بود که پرانتزهای توافق نوشته شده را به هم ریخت.

در شرایط کنونی که شورای حکام علیـــه ایران قطعنامـــه صادر کرده و مذاکرات از نقطه مطلوب فاصله گرفتـــه چه چشم‌اندازی را پیش روی مذاکـــرات و برجام مشاهده می‌کنید؟

واقعیت این است که در حالی که دولت عنوان می‌کند ما مسائل داخلی را به تحریم گره نزده‌ایم اما برخی تکانه‌های بازار به تحریم گره خورده است. اگر به افزایش قیمت دلار دقت کنیم متوجه می‌شویم که افزایش نرخ دلار همواره به مذاکرات و حاشیه‌های آن ارتباط داشته است. در روزهای اخیر نیز که شورای حکام علیه ایران قطعنامه صادر کرد شاهد افزایش قیمت دلار در بازار بودیم. اتفاقاتی که در هفته‌های اخیر رخ داده چشم انداز روشنی را درباره برجام تداعی نمی‌کند و به نظر می‌رسد هرچه زمان بیشتری بگذرد احتمال توافق کاهش پیدا می‌کند. این وضعیت نیز روی قیمت دلار و بازار تأثیرگذار خواهد بود. من معتقدم برجام گره اقتصادی ندارد، بلکه این گره‌های سیاسی است که مذاکرات تاکنون به نتیجه نرسیده است. به همین دلیل اگر طرفین قصد دارند مذاکرات در نهایت به نتیجه برسد باید این گره‌های سیاسی را باز کنند.

فـــرارو

تلاش‌های طرفین برای رفع یک دهه اختلاف

یخ روابط تهران-ریاض آب می‌شود؟

تهران و ریاض پس از یک دهه اختلاف، تلاش‌هایی را برای حل چالش‌های میان دو طرف آغاز کرده‌اند و این درحالی است که اسرائیل نیز تمام تلاش خود را برای جذب عربستان شروع کرده است. اختلاف در مورد موضوعاتی چون جنگ داخلی سوریه، برنامه هسته‌ای ایران، حمله به سفارت عربستان در تهران و بحران یمن و... نشان داد که رقابت منطقه‌ای دو کشور مطرح در خاورمیانه از حد طبیعی فراتر رفته و شکاف در روابط دو طرف تهدیدکننده امنیت و ثبات منطقه خواهد بود. چنین رویکردی سبب شده است که دو کشور برای رفع این مشکلات در مسیر به‌کارگیری دیپلماسی گام بردارند و همین امر بود که سلسله نشست‌های امنیتی میان مقامات دو طرف را رقم زد. از همان ابتدا دولت سیزدهم اعلام کرد که قصد دارد روابط با ریاض را بهبود بخشد. برگزاری چند دور مذاکرات دیپلماتیک میان دو طرف با میانجیگری کاظمی در بغداد سبب شد تا هر دو طرف بیش از هر زمان دیگری به ازسرگیری مجدد روابط نزدیک شوند. اقداماتی چون موافقت سعودی‌ها با اعطای گذرنامه به ۶دیپلمات ایران برای سفر به ریاض با هدف فراهم کردن مقدمات لازم برای حضور حجاج ایرانی در حج امسال یا سخنان شاهزاده فیصل بن فرحان آل سعود، وزیر خارجه عربستان سعودی، در نشست مجمع جهانی اقتصادی در داووسِ سوئیس که گفته بود ریاض و سایر کشورهای عرب حاشیه خلیج‌فارس خواهان همکاری با ایران هستند نیز نمونه‌ای از رویکرد جدید عربستان است.

دیدارها بین مقامات ایرانی و سعودی در بغداد

تاکنون چند دور مذاکرات دیپلماتیک بین ایران و عربستان سعودی با میانجیگری کاظمی در بغداد صورت گرفته، این دیدارها معمولا در سطح مقام‌های امنیتی بوده است. حدود دو هفته پیش بود که حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه ایران، در سخنانی از ایران و عربستان سعودی با عنوان «دو کشور بزرگ و پرنفوذ» منطقه یاد کرد و گفت ایران روابط دیپلماتیک خود را با عربستان سعودی کامل قطع نکرده است. در آخرین خبرها مصطفی کاظمی، نخست‌وزیر عراق، گفته است مذاکرات ایران و عربستان سعودی که در بغداد برگزار می‌شود به «مراحل پیشرفته» رسیده است. روزنامه کویتی «الجریده» نیز مدعی شد مقدمات دیدار «حسین امیرعبداللهیان»، وزیر خارجه ایران و همتای سعودی «فیصل بن فرحان» در بغداد عملا آغاز شده و انتظار می‌رود که این دیدار به‌زودی انجام شود، اما با وجود اینگونه اخبار مثبت، برخی از رسانه‌های خبری اعلام کردند که دیدار میان وزرای خارجه ایران و عربستان قرار بود پیش‌تر انجام شود، اما به درخواست ریاض و به «دلایل فنی» به تأخیر افتاد. رویترز در این‌باره به نقل از مقام وزارت خارجه سعودی که نامش بیان نشده افزود: در مذاکرات با تهران پیشرفت‌هایی حاصل شده؛ اما کافی نیست. در این میان خبرگزاری البوابه اردن خبر داده است که دور جدید مذاکرات ایران و عربستان سعودی در سطح بالا برگزار می‌شود. در این میان سؤال این است که چرا ریاض سیاست یک بام و دو هوا را در پیش گرفته است؟ رضا مرادی، پژوهشگر مسائل عربستان در این باره می‌گوید: ناکامی عربستان در رسیدن به اهداف خود در منطقه به‌طور خاص شکست در جبهه سوریه، ناتوانی در تغییر معادلات در لبنان با محوریت محدود کردن نقش حزب ا... و ناکامی در جنگ هفت ساله علیه یمن از جمله دلایل این مسأله است.

تأثیرات منطقه‌ای مذاکرات ایران و عربستان

در همین حال کارشناسان بر این باورند که مذاکرات ایران و عربستان احتمالا بر عرصه سیاسی لبنان و عراق نیز تأثیر خواهد گذاشت، جایی که تهران و ریاض از نیروهای سیاسی رقیب حمایت می‌کنند. هم ریاض و هم تهران نفوذ قابل توجهی در لبنان دارند و این باعث افزایش تنش بین ایران و متحدان عربستان سعودی در این کشور شده است. بنابراین پایان دادن به بن‌بست سیاسی در لبنان از جمله در دستور کار مذاکرات دو کشور قرار دارد. اما باید دید نهایتا دو طرف چه شیوه‌ای را اتخاذ می‌کنند دشمنی دو کشور دهه‌هاست که ادامه داشته و ابعاد ژئوپلیتیک و اقتصادی دارد. اگرچه عربستان سعودی و ایران، گام‌های زیادی تا رسیدن به اعتماد پایدار دارند .

شوک قطعنامه شـــورای حکام به مذاکرات ایران و عربستان

استقبال عربستان از تصویب قطعنامه ضد ایرانی شورای حکام می‌تواند نشانه‌ای از این احتمال باشد. سخنان بلینکن وزیر امور خارجه آمریکا مبنی بر اهمیت شراکت واشنگتن و ریاض در مبارزه با افراط گرایی و تعامل با ایران نیز نشان از آن دارد که مقامات کاخ سفید برنامه تازه‌ای را در قبال عربستان در پیش گرفته‌اند. وی در این سخنان با اشاره به اینکه آمریکا به تحقق آتش‌بس در یمن کمک کرده و فرصتی برای صلح پایدار در یمن وجود دارد در تلاش است که نگرانی‌های ریاض را به نوعی برطرف کند. همچنین اظهارات ضد ایرانی نماینده عربستان سعودی در اتحادیه عرب، نشان از تأثیر دیدارهای غیررسمی مقامات رژیم صهیونیستی به مقامات این کشور را به خوبی نشان می‌دهد.